

چشم اندازی به فلسفه پیشگویی‌های تاریخی قرآن کریم

تاریخ دریافت: ۹۱/۱۲/۷ تاریخ پذیرش: ۹۲/۳/۲۴

نرگس شکر بیگی؛ دانشجوی دکترای علوم قرآن و حدیث
عماد صادقی؛ دانشجوی کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث
امیر فتاحی؛ دانشجوی کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث

چکیده

از جمله موضوعات مهم مطرح شده در قرآن کریم، اخبار غیبی است که در آن به پیشگویی وقایع و حوادث آینده پرداخته شده است. با توجه به اینکه افعال الهی هدفمند است و بیان این اخبار در قرآن کریم از جمله افعال الهی به شمار می‌رود، این پیشگویی‌ها نیز دارای اهداف خاص و بلند مرتبه‌ای است. در این مقاله با بیان ویژگی‌های بارز پیشگویی‌های تاریخی قرآن کریم، ذکر نمونه‌ها و مصادیق آن و سپس با بررسی مهم‌ترین اهداف این پیشگویی‌ها، به تبیین و تحلیل آن پرداخته شده است. دستاورد این مقاله گویای این مهم است که اخبار و پیشگویی‌های قرآن کریم همچون دیگر موضوعات مطرح شده در این معجزه جاوید، دارای اهداف گوناگون است که از جمله آن می‌توان به اهدافی همچون: اثبات نبوت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، توجه دادن به علل و اسباب غیر مادی، تقویت روحی مومنان و مسلمانان، توجه دادن به علم و قدرت الهی، برقراری رابطه بین عملکرد انسان‌ها و آینده اشاره کرد.

کلیدواژه‌ها: پیشگویی، پیش بینی، غیب گویی.

از جمله مسائلی که در قرآن کریم به آن اشاره شده است، مسأله پیش‌گویی برخی حوادث آینده است. پیش‌بینی حوادث آینده همواره مورد توجه انسان بوده و بشر از دیرباز به دانستن آینده مجهول علاقه داشته و همواره در پی آن بوده است که به هر طریق ممکن، دریچه‌ای به عالم غیب باز کند و از حوادثی که بعداً اتفاق خواهد افتاد، آگاهی یابد. در قرآن کریم علاوه بر بیان وقایع و حوادث گذشته از وقایع دیگری صحبت به میان آورده است که در آینده به وقوع خواهند پیوست که بعضی از آنها فعلیت یافته و محقق شده و بعضی دیگر هنوز محقق نشده و زمانی برای تحقق آنها تعیین نگردیده است، ما یقین داریم که در آینده دور و نزدیک بالاخره این حوادث اتفاق خواهد افتاد. بی تردید، این بحث همانند دیگر مباحث قرآنی دارای اهداف خاصی است که به منظور هدایت بشر در قرآن کریم مطرح شده است. از این رو پرداختن به این مسأله و تبیین و بررسی آن از جنبه‌های گوناگون از اهمیت خاصی برخوردار است.

پژوهش حاضر سعی دارد به تحلیل این مسأله بپردازد و به این سوال بنیادین پاسخ دهد که پیشگویی‌های تاریخی قرآن کریم دارای چه اهدافی است؟ و جنبه‌های مختلف آن را پی‌گیری - کند.

۱. مفهوم شناسی پیشگویی

در کتب لغت، در شرح واژه «پیشگویی» آمده است: عمل و کار شخص پیشگو (پیش‌گوینده)، کهانت و اخبار از آینده را «پیشگویی» گویند.^۱

در ادبیات عرب، به خصوص در آیات قرآن کریم و روایات، واژه «غَیْب» و «نَبَأُ غَیْبِی» (خبرهای غیبی) از رایج‌ترین الفاظی هستند که در مفهوم پیشگویی به کار رفته‌اند. راغب اصفهانی در کتاب *المفردات* که از امّهات فرهنگ لغات ادبیات عرب و قرآن کریم است، می‌گوید: غیب، آن چیزی است که تحت حس و حواس واقع نمی‌شود و از علم انسان پوشیده باشد و به جز خداوند تعالی، کسی علم به آن را ندارد.^۲

پیشگویی در اصطلاح به آن دسته از اخبار غیبی اطلاق می‌شود که از وقوع حادثه‌ای مهم در آینده خبر می‌دهد. این نوع از پیشگویی همانند سایر اقسام پیشگویی‌ها بدون استفاده از هرگونه ابزار و آلات و یا هرگونه پیش زمینه‌ای صورت می‌گیرد.^۳

۲. تفاوت پیشگویی با پیش بینی

همانگونه که ذکر شده پیشگویی همان اخبار از حوادث آینده است؛ اما گاه دیده می‌شود به لحاظ عدم توجه لازم به مباحث قرآنی و کلامی، این واژه به جای واژه پیش‌بینی یا به عنوان مترادف با آن بیان می‌شود، در حالی که مفهوم پیشگویی با پیش‌بینی متفاوت است. پیش‌بینی به معنای حدس زدن وقایع آینده با استفاده از علل، اسباب و قرائن موجود است.^۴ می‌توان گفت سه فرق اساسی بین پیشگویی و پیش‌بینی وجود دارد:

۱. پیش‌بینی اعم از پیشگویی است؛ بعید نیست که علت اعم بودن پیش‌بینی این باشد که شخص پیشگو آنچه مورد پیش‌گویی قرار داده و بدان دست یافته است را ابراز و اظهار می‌کند و آن را با زبان و قلم برای دیگران بازگو می‌نماید؛ اما شخص پیش‌بین بین ممکن است آنچه را پیش‌بینی نموده و به آن رسیده است اظهار نماید و به عکس، چه بسا پس از وقوع حادثه می‌گوید: «من قبل از این چنین حدس می‌زدم و پیش‌بینی می‌نمودم.»

۲. در پیش‌بینی، وجود زمینه و آماده بودن مقدمات و غیره ضرورت دارد (به شکل و نوع حقیقیش). در صورتی که در پیش‌گویی عدم وجود زمینه و عدم بهره‌گیری از ابزار و امکانات موجود ضرورت دارد.

۳. پیش‌بینی بر پایه و بر مبنای حدس و گمان است؛ اما پیش‌گویی از هرگونه حدس به دور است و آنچه پیشگو می‌گوید را با قطع و یقین می‌گوید؛ یافته‌های واقعی را خبر می‌دهد؛ آنچه با درک و شعور خاص باطنش به دست آورده و اطلاع پیدا کرده است بازگو می‌نماید.^۵

شاید عدم تشخیص و تمایز همین تفاوت‌ها باعث شده که برخی نظریات و شبهه‌های بی اساس در مورد این جنبه از اعجاز قرآن کریم مطرح شود و پیش‌بینی‌های بشری را هم سطح با پیشگویی‌های قرآن به حساب آورند.

۳. ویژگی‌های پیشگویی‌های تاریخی قرآن

پیش‌گویی‌های قرآنی، همانند دیگر مباحث این کتاب آسمانی، از یک سلسله ویژگی‌های خاصی برخوردار است که ذیلاً به برخی از این ویژگی‌ها اشاره می‌شود:

۳-۱. مقرون به «تحدی»

همانطور که اصل قرآن مقرون با تحدی است، مسأله پیش‌گویی‌های قرآن نیز از چنین خصیصه‌ای برخوردار است. یعنی اگر طبق محتوای آیه: ﴿وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِّمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِّنْ مِّثْلِهِ وَادْعُوا شُهَدَاءَكُمْ مِّنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ﴾ (بقره: ۲۳) و یا آیه: ﴿قُلْ لِّئِنْ اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ عَلَىٰ أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ وَلَوْ كَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيراً﴾ (اسرا: ۸۸) کسی و یا جماعتی را نشاید که سوره و حتی آیه‌ای همانند قرآن بیاورد؛ نیز فرد یا گروهی را این توان نیست که وقوع حادثه‌ای را همانند یکی از کوچکترین یا کوتاه‌ترین پیشگویی‌های قرآن با حفظ تمام خصوصیاتش (از جمله بدون استفاده از ابزار و آلات مادی) پیش‌گویی نماید. اگر بپذیریم کاهنان، مرتاضان و منجمان و ... قدرت پیشگویی از حوادث آینده را دارند؛ اما این نکته را نباید نادیده گرفت که هیچ یک از آنان نمی‌توانند بگویند: تنها من این موضوع را پیش‌گویی می‌کنم و دیگران از دست‌یابی به آن عاجزند؛ زیرا ممکن است فرد دیگری از همان صنف با استفاده از همان ابزار و آلات مادی، به همان موضوع پیش‌گویی شده، دست یافته و اطلاع پیدا کند و یا خلاف آن را پیش‌گویی نماید.^۶ به بیان دیگر: در میدان پیشگویی‌های بشری امکان معارضه و مبارزه وجود دارد؛ ولی چنین چیزی در پیشگویی‌های قرآنی راه نداشته و نخواهد داشت.^۷ البته همین شاخصه در مورد پیش‌گویی‌های پیامبران و

معصومین نیز صادق است؛ چنانچه یکی از معجزات حضرت عیسی علیه السلام این بود که از غیب خبر می‌داد و می‌گفت: ﴿وَأُنَبِّئُكُم بِمَا تَأْكُلُونَ وَمَا تَدَّخِرُونَ فِي بُيُوتِكُمْ﴾ (آل عمران: ۴۹). یعنی: و از آنچه می‌خورید و در خانه‌های خود ذخیره می‌کنید، به شما خبر می‌دهم؛ اما باید توجه داشت که این پیشگویی‌ها همانند سایر معجزات، از منبع الهی سرچشمه می‌گیرد و لذا نمی‌توان آن را در مقابل و در مقام معارضه با پیشگویی‌های قرآنی به شمار آورد.

۳-۲. وابستگی به «وحی»

به جهت آنکه مجموعه رفتار و گفتار پیامبر صلی الله علیه و آله بر طبق وحی و متکی به آن بوده، از پیش خود و بر اساس هوای نفس سخن نمی‌گویند ﴿مَا ضَلَّ صَاحِبُكُمْ وَمَا غَوَىٰ وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ﴾ (نجم: ۲-۴)، به طور طبیعی اخبار غیبی قرآن (که پیامبر صلی الله علیه و آله تنها وظیفه ابلاغ و بیان آن را داشته است) نیز از چنین وصفی برخوردار است. یعنی این پیشگویی‌ها که قسمی از وحی هستند همانند وحی تابع میل پیامبر صلی الله علیه و آله تحت اراده و وابسته به فعل پیامبر نیست، بلکه این پیامبر است که تحت تأثیر پیشگویی قرآنی قرار می‌گیرد و لذا در قرآن کریم به پیامبر صلی الله علیه و آله خطاب می‌شود که بگوید: ﴿قُلْ لَا أَقُولُ لَكُمْ عِنْدِي خَزَائِنُ اللَّهِ وَلَا أَعْلَمُ الْغَيْبَ وَلَا أَقُولُ لَكُمْ إِنِّي مَلَكٌ إِنْ أَتَيْعَ إِلَّا مَا يُوحَىٰ إِلَيَّ﴾ (انعام: ۵۰)؛ به شما نمی‌گویم که گنج‌های خدا نزد من است و غیب هم نمی‌دانم و به شما نمی‌گویم که من نوشته‌ام، من تنها از آنچه به من وحی می‌شود پیروی می‌کنم...» ولی آنجا که تحت تأثیر و نفوذ غیب و ماورای طبیعت قرار می‌گیرد از راز نهانی خبر می‌دهد و هنگامی که از او پرسش می‌شود از کجا دانستی؟ می‌گوید: خدای آگاه مرا آگاه ساخت.

اگر پیغمبر صلی الله علیه و آله می‌گوید: غیب نمی‌دانم و اگر می‌دانستم پول فراوان از این راه کسب کرده بودم ﴿لَوْ كُنْتُ أَعْلَمُ الْغَيْبَ لَأَسْتَكْثَرْتُ مِنَ الْخَيْرِ﴾ (اعراف: ۱۸۸)، می‌خواهد منطق مشرکان را بگوید که غیب دانستن من در حدّ معجزه و برای منظوری خاص و به وسیله وحی

الهی است. اگر غیب دانستن من یک امر پیش خودی بود برای هر منظوری می شد آن را به کار برد.^۸

۳-۳. عدم بهره گیری از ابزار و آلات مادی

اگر شیوه رفتاری هر یک از منجمان، مرتاضان، کاهنان و دیگر مدعیان پیشگویی ها و پیش بینی ها در بستر تاریخ ملاحظه شود، گویای این مطلب است که همه آنها با به کارگیری ابزار و آلات خاصی و یا با تحمّل رنجها و مشقات فراوان دوره ریاضت و تهیّه و تدارک دیگر امور مورد نیاز، وقوع حادثه های در بستر تاریخ را پیشگویی یا پیش بینی می نمایند؛ ولی رسول اکرم صلی الله علیه و آله در بیان هیچ یک از پیشگویی های موجود در آیات از این گونه ابزار و وسایل و امکانات و یا روش های مشابه آن بهره نگرفته است. بلکه تنها با اتکاء به وحی، دیگران را از وقوع حوادثی در آینده تاریخ خبر داده است.^۹ به بیان دیگر: پیامبر هرگز از روی هوای نفس سخن نمی گوید! آنچه می گوید چیزی جز وحی که بر او نازل شده نیست! آن کس که قدرت عظیمی دارد [جبرئیل امین] او را تعلیم داده است؛ ﴿وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ عَلَّمَهُ شَدِيدُ الْقُوَىٰ﴾ (نجم: ۳-۵). بر این اساس ادعا می شود: یگانه شرط خبر حوادث آینده (به مفهوم خاص قرآنی آن) این است که گزارش، متکی و مستند به وحی باشد نه به یک رشته ابزار قرائن خارجی و گرنه چنین گزارشی خبر غیبی نیست؛ بلکه نتیجه مستقیم فکر و اندیشه بشر خواهد بود.^{۱۰} خلاصه سخن اینکه: پیشگویی بر مبنای غیب باید از تمام این مبادی و تجارب علمی پیراسته باشد و یک نوع آگاهی که از طریق اسباب عادی و مجاری علمی بدست نیامده باشد.

۳-۴. مطابقت با واقع و مصونیت از خطاء

همچنان که رسول گرامی اسلام در اصل ادعای نبوت، صادق بوده و از هرگونه کذب و دروغ به دور بوده است؛ ﴿فَأَوْحَىٰ إِلَيَّ عَبْدِهِ مَا أَوْحَىٰ مَا كَذَبَ الْفُؤَادُ مَا رَأَىٰ﴾ (نجم: ۱۰-۱۱). یعنی: خداوند آنچه را وحی کردنی بود به بنده اش وحی نمود. قلب (پاک او) در آنچه دید هرگز دروغ نگفت. خداوند به پیامبر صلی الله علیه و آله وحی فرمود آنچه که هیچ کس درک نتوان کرد، آنچه (در عالم غیب) دید دلش هم حقیقت یافت و کذب و خیال نپنداشت و در محتوای دعوت و از جمله در ابلاغ پیش‌گویی‌های قرآنی‌اش نیز این امر صادق است. اصولاً یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های اصلی معجزه و اعجاز همین است که آنچه فردی که ادعای معجزه بودن آن را دارد مطابق با واقعیت باشد و در این صورت است که این امر به عنوان گواه صدق ادعای او تلقی خواهد شد.^{۱۱} پیش‌گویی‌های قرآن نیز به عنوان یکی از مصادیق اعجاز این کتاب آسمانی از این اصل مستثنی نیست و آنچه قرآن از وقوع آن خبر داده، کوچکترین خلافی در آن دیده نشده است. در حالی که پیش‌گویی‌های دیگر کسانی که در این مسیر گامی برداشته‌اند، با همه دقت‌های علمی و فرمول‌های خاصی که به کار گرفته‌اند، کم و بیش (نه همه آنها) دچار اشتباه شده و خطا از آب در آمده است. «رشید رضا» در این باره می‌گوید: «پیش‌گویی‌های نا به حق و اشتباه در آمده آنان بیش از آن مقداری است که مطابق در آمده و این است که مردم به گفته‌هایشان اعتمادی ندارند».^{۱۲}

۴. نمونه‌ها

پس از بیان ویژگی‌های پیش‌گویی‌های تاریخی قرآن کریم شایسته است نمونه‌هایی از این جنبه از اعجاز قرآن ذکر شود؛

۴-۱. پیروزی رومیان شکست خورده

﴿الْمُغَلَّبَاتِ الرُّومِ فِي أَدْنَى الْأَرْضِ وَهُمْ مِّنْ بَعْدِ غَلَبِهِمْ سَيَغْلِبُونَ فِي بَضْعِ سِنِينَ إِنَّ اللَّهَ الْأَمْرُ مِنْ قَبْلُ وَمِنْ بَعْدُ وَيَوْمَئِذٍ يَفْرَحُ الْمُؤْمِنُونَ بِنَصْرِ اللَّهِ يَنْصُرُ مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ﴾ (روم: ۱-۵)؛ الف، لام، میم رو میان شکست خوردند در نزدیکترین سرزمین، (ولی) بعد از شکستشان، در ظرف چند سالی، به زودی پیروز خواهند گردید (فرجام) کار در گذشته و آینده از آن خداست و در آن روز است که مؤمنان از یاری خدا شاد می‌گردند هر که را بخواهد یاری می‌کند و اوست شکست‌ناپذیر مهربان»

این آیات بدین سبب نازل شد که در آن هنگام که پیامبر صلی الله علیه و آله در مکه بود و مؤمنان در اقلیت قرار داشتند، جنگی میان ایرانیان و رومیان در گرفت و در این نبرد ایرانیان پیروز شدند. مشرکان مکه این پیروزی را به فال نیک گرفته و دلیل بر حقانیت شرک خود دانستند و در وقت ملاقات یاران پیامبر به آنان گفتند: ایرانیان، مجوس هستند و مشرک و دوگانه پرست؛ اما رومیان همانند شما اهل کتاب و ما هم بت پرستیم؛ همانگونه که ایرانیان مشرک بر رومیان اهل کتاب پیروز شوند ما هم بر شما که اهل کتابید پیروز خواهیم شد.^{۱۳}

در برابر شکست رومیان، بر رسول اکرم صلی الله علیه و آله و یارانش سخت آمد، اینجا بود که قرآن کریم برای تقویت روحی مسلمانان پیروزی رومیان شکست خورده بر ایرانیان را پیش‌گویی کرد و خبر داد که به زودی روم بر ایران غلبه خواهد نمود و ایران علی‌رغم قدرت عظیمی که دارد، شکست خواهد خورد و شکست رومیان، حادثه‌ای فرح‌انگیز برای مؤمنان صدر اسلام بود.^{۱۴}

اگر چه این پیشگویی عجیب با توجه به شرایط ملموس آن زمان، بسیار بعید به نظر می‌رسید؛ اما از آنجا که مسلمانان می‌دانستند این پیشگویی از ناحیه خدایی است که پیدا و پنهان را می‌داند دلگرم و امیدوار شدند.^{۱۵} مرحوم علامه طباطبایی - رحمه الله - در این باره از در المنثور سیوطی نقل می‌کند که مسلمانان به حدی به وقوع چنین پیشگویی اطمینان داشتند که بر سر حتمی بودن

پیروزی رومیان، با مشرکان شرط‌بندی کردند.^{۱۶} سرانجام همان گونه که قرآن پیش‌بینی کرده بود در مدّت کمتر از نه سال، وعده الهی تحقق یافت و رومیان بر پارسیان غلبه کردند.^{۱۷}

۴-۲. پیروزی مسلمانان در غزوه «بدر»

﴿وَإِذْ يَعِدُّكُمْ اللَّهُ إِحْدَى الطَّائِفَتَيْنِ أَنَّهَا لَكُمْ وَتَوَدُّونَ أَنَّ غَيْرَ ذَاتِ الشَّوْكَةِ تَكُونُ لَكُمْ وَيُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُحِقَّ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ وَيَقْطَعَ دَابِرَ الْكَافِرِينَ لِيُحِقَّ الْحَقَّ وَيُبْطِلَ الْبَاطِلَ وَلَوْ كَرِهَ الْمُجْرِمُونَ﴾
(انفال: ۷ و ۸)؛ و (به یاد آورید) هنگامی که یکی از دو دسته (کاروان تجارتنی قریش یا سپاه ابوسفیان) را به شما وعده داد که از آن شما باشد و شما دوست داشتید که دسته بی‌سلاح برای شما باشد، (ولی) خدا می‌خواست حق (اسلام) را با کلمات خود، ثابت و کافران را ریشه کن کند تا حق را ثابت و باطل را نابود گرداند، هر چند بزهکاران خوش نداشته باشند.»

با توجه به موقعیت طرفین (مسلمانان و کفار) در جنگ نابرابر بدر، وضعیت تجهیزات مسلمانان و قدرت برتر کافران، باور نکردنی بود که مسلمانان بتوانند بر کفار غلبه کنند؛ اما آنگاه که بدر در آتش جنگ شعله‌ور گردید با شجاعت و از جان گذشتگی «حمزه» عموی پیامبر صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام و جمعی دیگر از جنگجویان اسلام در جنگ تن به تن ضربات شدیدی بر پیکر حریفان زدند و آنان را از پای در آوردند. پس دو گروه با هم درگیر شدند که شجاعت و مقاومت مسلمانان و امدادهای الهی سپاه کافران در هم شکست^{۱۸} و به این صورت بود که این پیشگویی تاریخی قرآن در مدت کوتاهی به حقیقت پیوست و در نخستین برخورد مسلحانه مسلمانان با کفار، ضربه بسیار سهمگینی بر آنان وارد ساختند.

۴-۳- فتح مکه

﴿إِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَرَادُّكَ إِلَيَّ مَعَادٍ...﴾ (قصص: ۸۵)؛ در حقیقت، همان کس که این قرآن را بر تو فرض کرد، محققاً تو را به محل بازگشت (مکه) باز می‌گرداند»



از لحن آیه کاملاً پیداست که بازگشت پیامبر صلی الله علیه و آله به مکه یک بازگشت معمولی نخواهد بود، بلکه بازگشتی پیروزمندانه و از موضع قدرت خواهد بود و خداوند با دلداری دادن به پیامبر خود، حمایت از وی و تضمین بازگشت مجدد آن حضرت به مکه را اعلام نمود، ﴿إِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَرَادُّكَ إِلَيَّ مَعَادٍ...﴾ (قصص: ۸۵).^{۱۹} این خبر با توجه به وضع اسف انگیز مسلمانان و ضعف و ناتوانی آنان در مقابل قدرت عظیم قریش سخت بعید به نظر می‌آمد؛ اما وعده الهی محقق شد و پیامبر اسلام پس از هشت سال با سپاهی عظیم جهت آزادسازی مکه و بیت الحرام از دست مشرکان به سوی آن شهر حرکت کرد؛ دو روز بعد، ارتش عظیم و ظفرمند اسلام وارد مکه شد و این شهر بدون درگیری فتح شد. وقتی پیامبر وارد مسجدالحرام شد، وعده‌ای که خداوند چند سال پیش داده بود را به یاد آورد و به عنوان شکرگزاری به پیشگاه خداوند چنین گفت: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ صَدَقَ وَعْدُهُ وَ نَصَرَ عَبْدَهُ وَ هَزَمَ الْأَحْزَابَ وَحْدَهُ»؛ معبودی جز «الله» نیست، واحد است و همتایی ندارد. به وعده خود عمل کرد و بنده خود را یاری نمود و گروه‌های مخالف را به تنهایی شکست داد.^{۲۰}

۴-۴. شکست یهود «بنی نضیر»

﴿قُلْ لِلَّذِينَ كَفَرُوا سَتُغْلَبُونَ وَتُحْشَرُونَ إِلَىٰ جَهَنَّمَ وَبِئْسَ الْمَهَادُ﴾ (آل عمران: ۱۲)؛ به کسانی که کفر ورزیدند بگو: به زودی مغلوب خواهید شد و (سپس در روز رستاخیز) در دوزخ محشور می‌شوید و چه بد بستری است.

هنگامی که جنگ احد پیش آمد و به شکست مسلمانان پایان یافت، جمعی از یهود بنی نضیر گفتند: آن پیامبری که ما وصف او را در کتاب دینی خود (تورات) خوانده‌ایم که در جنگ مغلوب نمی‌شود، به خدا سوگند آن پیامبری که در کتاب‌ها بشارت به آن داده شده این نیست و به دنبال این واقعه پیمانی که با رسول خدا در مورد عدم تعرض به مسلمانان بسته بودند را نقض کرده و به سوی مکه رهسپار شدند و با مشرکان برای مبارزه با اسلام هم پیمان شدند. پس از آنکه

رسول اکرم صلی الله علیه و آله از طریق وحی در جریان توطئه یهودیان قرار گرفت به مسلمانان دستور داد برای جنگ با این قوم حرکت کنند. هنگامی که یهودیان با خبر شدند به قلعه‌های محکم خود پناه بردند و خداوند با اعلام شکست قریب‌الوقوع کافران، برای تضعیف روحیه دشمن به پیامبر دستور داد بعضی از درختان نخل که نزدیک قلعه‌ها بود را بسوزانند. به هر حال محاصره چند روز طول کشید و پیامبر برای پرهیز از خونریزی به آنها پیشنهاد کرد که سرزمین مدینه را ترک کنند آنها نیز پذیرفتند. مقداری از اموال خود را برداشته و بقیه را رها کردند که به دست مسلمانان افتاد.^{۲۱}

اینگونه با نصرت خداوند به مسلمانان و شکست یهودیان، این پیشگویی که خداوند وعده داده بود به وقوع پیوست و قدرت یهودیان از هم متلاشی شد و برای همیشه مغلوب شدند.

۴-۵. شکست مشرکان مکه

بدون شک آن زمان که این آیات در مکه نازل شد مسلمانان در اقلیت شدید و دشمن در اوج قدرت بود و شاید پیش‌گویی پیروزی سریع مسلمانان بر آنها باور کردنی نبود؛ ولی مدت کوتاهی گذشت که مسلمانان هجرت نمودند و آنقدر قدرت پیدا کردند که در نخستین برخورد مسلحانه خود با دشمن در میدان جنگ‌های مسلمانان و مشرکان، ضربه‌های بسیار و سهمگینی بر آنان وارد ساختند، آن چنان که هرگز انتظارش را نداشتند و چند سالی بیشتر نگذشت که نه فقط کفار مکه، بلکه تمام جزیره عربستان در مقابل آنها تسلیم شدند! از این رو این پیشگویی در همان عصر رسول اکرم صلی الله علیه و آله تحقق یافت و جامع عمل به خود پوشید و سرانجام جمعیت قدرتمند کفار مکه با همه اقتدار و توانی که داشتند متلاشی شدند. علاوه بر آیه مذکور مفسران آیه ﴿سَيَهْزِمُ الْجَمْعُ وَيُوَلُّونَ الدُّبُرَ﴾ (قمر: ۴۵)؛ (ولی بدانند) که به زودی جمعشان شکست می‌خورد و یا به فرار می‌گذارند را نیز نوید همین پیروزی دانسته‌اند که در فاصله نه چندان دوری از نزول آن، تحقق یافت.^{۲۲}

۵. اهداف

با توجه به این که افعال الهی «هدفمند» است و کارهای عبث و لغو و بیهوده، از ساحت مقدّسش به دور است (آیات: حجر: ۸۵، مؤمنون: ۱۱۵، روم: ۸، ص: ۲۸، دخان: ۳۸)، روشن است که در فرستادن انبیاء و نزول کتب آسمانی و بعثت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و فرو فرستادن قرآن (خصوصاً)؛ نیز اهداف بلندی مطرح بوده است. همچنین نمی‌توان پیش‌گویی‌های قرآن که از جمله افعال الهی به حساب می‌آیند، را از این امر مستثنی دانست، پس بی‌هیچ تردیدی در این اخبار غیبی قرآن کریم اهداف گوناگونی دخیل بوده است که در ادامه به برخی از آنها در ذیل اشاره می‌شود:

۵-۱. اثبات نبوت رسول اکرم صلی الله علیه و آله

برای آنکه چهره‌های راستین مدّعیان صادق نبوت و کذب و نادرستی مدّعیان دروغین بر همگان روشن و آشکار گردد؛ لازم است هر یک از سفیران و پیامبران واقعی، به تناسب زمان خود^{۲۳} قادر بر انجام امور خارق‌العاده و ارائه افعالی «معجز» گونه باشند.^{۲۴}

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «الْمُعْجِزَةُ عَلَامَةٌ لِلَّهِ لَا يُعْطِيهَا إِلَّا أَنْبِيَاءَهُ وَرُسُلُهُ وَحُجَجُهُ يُعْرَفُ بِهِ صِدْقُ الصَّادِقِ مِنْ كَذِبِ الْكَاذِبِ»^{۲۵} یعنی: معجزه نشانه‌ای است برای پروردگار، آن را جز بر پیامبران، رسولان و حجت‌های خویش (بندگان) عطا نمی‌کند تا به واسطه آن، درستی راستگویان از دروغ دروغگویان تمیز داده و شناخته شود. این است که می‌بینیم برای موسی علیه السلام ازدها شدن عصا، برای عیسی علیه السلام، زنده نمودن مردگان و برای رسول اکرم صلی الله علیه و آله (علاوه بر معجزات گوناگون که از آن حضرت صادر گشته)، معجزه جاویدانی بنام «قرآن» مطرح است.^{۲۶} معجزه بودن این برترین کتاب آسمانی، ابعاد مختلفی دارد از جمله آنها پیشگویی‌های آن است که در ضمن آیات گوناگون مطرح شده است. رشید رضا در این باره می‌گوید: این پیشگویی‌ها و اخبار فراوان از غیب، دلیل روشنی است بر نبوت پیامبر اکرم و اینکه

قرآن کریم از جانب الله است. چرا که غیر از خداوند کسی از غیب چیزی نمی‌داند و از این جهت امکان معارضه با آن نیز ممکن نیست و آن قسمی از اقوال کاهنان، عارفان و منجمین در این باره ادعا شده اکثرشان کذب بوده تا صدق^{۲۷} بنا بر این می‌توان گفت: این بُعد از اعجاز قرآن، همانند سایر وجوه آن بر صدق و درستی رسول اکرم صلی الله علیه و آله در امر نبوت گواه است.

۵-۲. توجه دادن به علل غیرمادی

غالب افراد تنها عامل به وقوع پیوستن حوادث و وقایع را امور مادی قلمداد می‌نمایند و دخیل بودن هر امر دیگری را در این جهت نادیده گرفته، آن را غیر ممکن تلقی می‌کنند که متأسفانه تأثیر این پندار غلط به جوامع اسلامی نیز سرایت کرده و در میان مسلمانان اثر منفی بر جای نهاده است. خداوند کریم طی آیات فراوانی در قرآن مجید، خبر از پیروزی زایدالوصف و غیرمنتظره رهروان راه پیامبر صلی الله علیه و آله در مراحل مختلفی از تاریخ اسلام (همانند آنچه که حاوی نوید پیروزی در جنگ بدر، فتح مکه و ... بوده‌اند) داده است. تا شاید غافلان و خطاء پیشگان، به خود آیند و بدانند که ورائی عوامل مادی، عوامل دیگری تحت عنوان «امدادهای غیبی پروردگار» وجود دارند که می‌توانند نقش مهم‌تر و جاودانه‌تری را ایفا نمایند.^{۲۸} همچون هنگامی که مشرکان مکه به وسیله قاصد ابوسفیان آگاه شدند که پیامبر صلی الله علیه و آله در صد ضربه زدن به کاروان قریش به هنگام بازگشت از سفر به شام است؛ اموال فراوانی جمع کردند تا به جنگویان خود کمک کنند؛ اما خدای کریم، ضمن آنکه از این ترفند شوم آنها پیامبرش را مطلع ساخت، شکست آنان را نیز خبر داده است^{۲۹} و فرمود: ﴿إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ لِيَصُدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ فَسَيُنْفِقُونَهَا ثُمَّ تَكُونُ عَلَيْهِمْ حَسْرَةً ثُمَّ يُغْلَبُونَ...﴾ (انفال: ۳۶)؛ آنها که کافر شدند اموالشان را برای باز داشتن مردم از راه خدا انفاق می‌کنند، آنها این اموال را (که برای به دست آوردن آن زحمت کشیده‌اند در این راه، انفاق می‌نمایند؛ اما مایه حسرت و اندوهشان خواهد شد و سپس شکست خواهند خورد...»

۵-۳. تقویّت روحی مؤمنان

بی تردید، داشتن ترسیمی درست و واقعی از آینده زندگی، نقش مهمّی در شکل‌گیری زندگی افراد و جوامع بشری ایفاء می‌کند. به بیان دیگر هر فرد و یا جامعه‌ای با پیش بینی آینده خود و آینده نگر، برنامه‌های خاصی را تدارک می‌بیند، طبیعتاً هر کسی اگر اخبار و گزارش مربوط به حوادث آینده را می‌شنود با آنکه احتمال خطا و اشتباه نیز در این گزارش‌ها وجود دارد، جهت رویارویی با امور گزارش شده تدبیر ویژه‌ای در پیش می‌گیرد. بر این اساس از بررسی برخی از آیات مربوط به مسأله پیش‌گویی‌های قرآنی چنین بر می‌آید که بیان آنها (با توجّه به آنکه از شخص صادق شنیده می‌شد و هیچ گونه تردیدی در وقوع آنها نبود) تأثیر فراوانی در تقویّت روحی مؤمنان و پارسایان داشته است و بر عزم و اراده و ثبات راهشان افزوده می‌شود. این است که در سوره احزاب می‌خوانیم: ﴿وَلَمَّا رَأَى الْمُؤْمِنُونَ الْأَحْزَابَ قَالُوا هَذَا مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَصَدَقَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَمَا زَادَهُمْ إِلَّا إِيمَانًا وَتَسْلِيمًا﴾ (احزاب: ۲۲)؛ هنگامی که مؤمنان لشکر را دیدند، گفتند این همان است که خدا و رسولش به ما وعده فرموده و خدا و رسولش راست گفته‌اند و این موضوع جز بر ایمان و تسلیم آنها چیزی نیفزود» امین الاسلام طبرسی می‌گوید: قبلاً پیامبر صلی الله علیه و آله گفته بود که به زودی قبایل عرب و دشمنان مختلف شما دست به دست هم می‌دهند و به سراغ شما می‌آیند؛ اما بدانید سرانجام پیروزی با شماست. مؤمنان هنگامی که هجوم «احزاب» را مشاهده کردند یقین پیدا کردند که این همان وعده پیامبر است. لذا بر ایمان و تسلیمشان افزوده شد.^{۳۰}

۵-۴. توجّه دادن به علم و قدرت الهی

قرآن بر اساس علم الهی نازل شده است. ویژگی علم الهی این است که محدودیت ندارد و در محاق زمان گرفتار نمی‌شود. خداوند متعال بر همه چیز احاطه دارد و آینده تنها یکی از مصادیق علم الهی است ﴿...أَنَّ اللَّهَ قَدْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا﴾ (طلاق: ۱۲). علم الهی که بر همه چیز

احاطه دارد، بر قرآن تجلی کرده و این کتاب در برگیرنده آن چنان دانشی است که خود را از سایر کتاب‌های آسمانی متفاوت کرده است. قرآن حاوی حقایق بی انتهاست و تبیین هر آنچه بشر تا آخرین روز دنیا به آن نیازمند است، در این کتاب آمده است ﴿وَعِنْدَهُ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْبُرِّ وَالْبَحْرِ وَمَا تَسْقُطُ مِنْ وَرَقَةٍ إِلَّا يَعْلَمُهَا وَلَا حَبَّةٍ فِي ظِلْمَاتِ الْأَرْضِ وَلَا رَطْبٍ وَلَا يَابِسٍ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ﴾ (انعام: ۵۹).

با اینکه قرآن، کتاب فیزیک، گیاه‌شناسی، زیست‌شناسی و یا روانشناسی نیست؛ اما در عین حال سعادت و کمال انسان‌ها هماهنگ با حقایق جهان هستی است و برنامه‌ای که برای خوشبختی از طرف خداوند ترسیم شده، بی ارتباط با حقایق عالم هستی نبوده، بلکه جزئی از آن است؛ بنابراین لازمه برنامه الهی که در قرآن آمده، آن است که انسان حقیقت عالم را بشناسد. لذا اگر در قرآن، این حقایق بیان می‌شود برای این است که انسان عظمت خدا و علم و قدرت بیکران الهی را بباید. این مسئله در جهت دست یابی انسان به سعادت و کمال است، به همین خاطر از آنها به نشانه‌های الهی تعبیر می‌شود که انسان با درک آنها به حقیقتی که در پس این آیات و نشانه‌ها قرار دارد نائل شود و نشان می‌دهد که قرآن، از منبعی نشأت گرفته است که تمام دگرگونی‌ها، شرایط و حوادث زمان را در اختیار خود دارد و از اوضاع و احوال گذشته و آینده آگاه است و می‌تواند از غیب بدهد و او کسی نیست جز خدای متعال که تنها داننده غیب به صورت مطلق است و احاطه کامل بر اسرار خلقت دارد. انسان با دیدن این عظمت‌ها و توجه به آن، معرفت فطری پیدا کرده و شناختش شکوفا شده و با ایمانی راسخ‌تر، فرامین الهی را به جا می‌آورد و به این پیش پی می‌برد که همه قدرت و اراده‌ها از آن خداوند است: ﴿وَمَا تَشَاؤُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ﴾ (تکویر: ۳۰)؛ «شما اراده نمی‌کنید مگر اینکه خداوندی که پروردگار جهانیان است بخواهد.»

۵-۵. برقراری رابطه بین عملکرد انسان‌ها و آینده

یکی از کلیدی‌ترین رویکردهای قرآن نسبت به آینده، برقراری نسبت بین آینده و عملکرد فرد یا جامعه است که این مفهوم از آیه: ﴿سُنَّةَ اللَّهِ فِي الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلُ وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا﴾ (احزاب: ۶۲) و همچنین ﴿...سُنَّةَ اللَّهِ فِي الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلُ وَكَانَ أَمْرُ اللَّهِ قَدْرًا مَقْدُورًا﴾ (احزاب: ۳۸) قابل برداشت است.

آن دسته از آیات قرآن که اخبار آینده را در بردارد از این قاعده پیروی می‌کند که عالم هستی بر مبنای قانون‌مندی‌های کلی است که پروردگار بر قاموس خلقت جاری ساخته است که آینده فردی و اجتماعی انسان‌ها را با زندگی و عملکرد حال آنان پیوند داده است و این دسته از آیات راهنمای بشر در رقم زدن آینده خویش است که در آیات ﴿وَمَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى﴾ (طه: ۱۲۴) ﴿ثُمَّ كَانَ عَاقِبَةَ الَّذِينَ أَسَاءُوا السُّوْأَىٰ أَنْ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَكَانُوا بِهَا يَسْتَهْزِئُونَ﴾ (روم: ۱۰) بازگو شده است. لذا علم انسان به وجود این قوانین الهی او را بر آن می‌دارد که بر اساس این سنن و علم به حوادث آینده به برنامه ریزی و آینده نگری برای مسیر زندگی خویش بپردازد. از این رو علم به آینده زندگی همواره نقش مهمی در شکل‌گیری زندگی افراد و جوامع بشری ایفاء می‌کند و هر فرد و یا جامعه‌ای با پیش بینی آینده خود و آینده نگری، برنامه‌های خاصی را تدارک می‌بیند که طبیعتاً هر کسی اگر اخبار و گزارش مربوط به حوادث آینده را می‌شنود با آنکه احتمال خطا و اشتباه نیز در این گزارش وجود دارد، جهت رویارویی با امور گزارش شده، تدبیر ویژه‌ای در پیش می‌گیرد و این در حالی است که پیشگویی‌های قرآن که منبع الهی سرچشمه گرفته‌اند و بر مبنای صحت گزارش می‌شوند در نزد بشر، بیش از سایر پیشگویی‌ها مورد قبول واقع می‌شوند و از اثرگذاری بیشتری برخوردارند.

نتیجه گیری

از آنچه گزارش گردید به دست می‌آید که پیشگوییهای تاریخی قرآن کریم همانند دیگر مباحث این کتاب آسمانی از ویژگی‌ها و شاخص‌های خاصی همچون مقرون به تحدی بودن، وابستگی به وحی، عدم بهره‌گیری از ابزار و آلات مادی و نیز مطابقت با واقعیت برخوردار است. همچنین به توجّه با اینکه افعال الهی هدفمند است و کارهای عبث و بیهوده از ساحت مقدّسش به دور است برای پیشگویی‌های قرآنی که از جمله افعال الهی محسوب می‌شود، اهدافی بلند مرتبه‌ای را می‌توان نام برد؛ اثبات نبوت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله یکی از مهم‌ترین اهداف این پیشگویی‌های قرآنی است؛ چرا که با بیان این پیشگویی‌ها از جانب پیامبر کرم صلی الله علیه و آله و تحقق آنها، ارتباط و حیانی و صدق ادّعی نبوت پیامبر اسلام آشکار می‌گردد. که تمامی انسانها می‌توانند با بررسی و تحقیق در خصوص این پیشگویی‌های قرآنی و مشاهده این جنبه از اعجاز آن، به نبوت پیامبر اسلام و حقانیت آیین او پی ببرند. همچنین این پیشگویی‌ها باعث توجّه دادن به علل و اسباب غیر مادی می‌شود و این حقیقت را متذکّر می‌کند که ورای عوامل مادی، عوامل دیگری تحت عنوان عوامل غیبی پروردگار وجود دارند که می‌توانند نقش مهم‌تر و جاودانه‌تری را در زندگی ایفا نمایند. با توجّه به اینکه مومنان و مسلمانان به وعده‌های خداوند ایمان راسخ دارند لذا این پیشگویی‌ها تأثیر فراوانی در تقویت روحی مؤمنان و پارسایان دارد و بر عزم و اراده و ثبات راهشان می‌افزاید. همچنین این پیشگویی‌ها این بینش را به وجود می‌آورد که همه قدرت و اراده‌ها در احاطه خداوند است و از این رو نقش به‌سزایی در توجّه دادن به علم و قدرت الهی دارد. همچنین با توجّه به اینکه علم به آینده زندگی همواره نقش مهمی در برنامه ریزی برای آینده و شکل‌گیری زندگی افراد و جوامع بشری ایفاء می‌کند و دیگر اینکه این پیشگویی‌ها از منبعی صادر شده است که هیچ‌گونه تردیدی در وقوع آنها نیست لذا از دیگر اهداف والای این پیشگویی‌های قرآنی می‌توان برقراری رابطه بین عملکرد انسان‌ها و آینده را ذکر کرد.

پی نوشت‌ها:

۱. معین، محمد، فرهنگ فارسی معین، ج ۱، ص ۱۷.
۲. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ القرآن، ج ۲، ص ۲۷۱.
۳. شفیع دارابی، حسین، نگاهی به پیشگویی‌های قرآن، ص ۲۸.
۴. معین، محمد، فرهنگ فارسی معین، ج ۱، ص ۹۱۷.
۵. شفیع دارابی، حسین، نگاهی به پیشگویی‌های قرآن، ص ۲۸.
۶. شفیع دارابی، حسین، نگاهی به پیشگویی‌های قرآن، ص ۳۳.
۷. باقلانی، محمد بن طیب، اعجاز القرآن، ص ۲۳۰؛ زرقانی، محمد بن عبد العظیم، مناهل العرفان فی علوم القرآن، ج ۲، صص ۲۴ و ۲۵.
۸. مطهری، مرتضی، وحی و نبوت، صص ۶۷-۶۸.
۹. رشید رضا، محمد، تفسیر المنار، ج ۱، صص ۲۰۵ و ۲۰۶.
۱۰. سبحانی، جعفر، علم غیب آگاهی سوم، صص ۲۷-۲۸.
۱۱. خوئی، سید ابوالقاسم، البیان فی تفسیر القرآن، ص ۲۸.
۱۲. رشید رضا، محمد، تفسیر المنار، صص ۲۰۴ و ۲۰۵.
۱۳. واحدی نیشابوری، ابوالحسن علی بن احمد، اسباب النزول، ص ۱۹۷.
۱۴. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۱۶، ص ۳۶۴.
۱۵. جعفری، یعقوب، بینش تاریخی قرآن، ص ۵۷.
۱۶. طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۶، ص ۱۶۲.
۱۷. فخر الدین رازی، محمد بن عمر، مفاتیح الغیب، ج ۲۵، ص ۷۹.
۱۸. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۲۳، صص ۷۱-۷۳؛ عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، نور الثقلین، ج ۲، صص ۱۲۱-۱۳۶. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۱۱۷.
۱۹. هاشمی رفسنجانی، علی اکبر، تفسیر راهنما، ج ۱۳، ص ۵۹۱؛ نجفی خمینی، محمد جواد، تفسیر آسان، ج ۱۵، ص ۲۲۲.
۲۰. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۴، ص ۲۲۵.
۲۱. طبری، محمد بن جریر، تاریخ الامم و الرّسل و الملوک، ج ۲، ص ۸۲.

۲۲. ابو الفتوح رازی، حسین بن علی، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، ج ۱۸، ص ۲۳۰؛ بحرانی، سید هاشم، البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۵، ص ۲۲۱؛ سیوطی، جلال الدین، الدر المنثور فی تفسیر المأثور، ج ۶، ص ۱۳۶.
۲۳. خوئی، سید ابو القاسم، البیان فی تفسیر القرآن، صص ۳۴ و ۴۰.
۲۴. بلاغی، محمد جواد، آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۴.
۲۵. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۱۱، ص ۱۷.
۲۶. طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۳.
۲۷. رشید رضا، محمد، تفسیر المنار، ج ۱، ص ۲۰۴-۲۰۵.
۲۸. شفیع دارابی، حسین، نگاهی به پیشگویی های قرآن، ص ۳۶.
۲۹. عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، نور الثقلین، ج ۲، ص ۱۵۴.
۳۰. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۸، ص ۵۴۹.

منابع:

- قرآن کریم، مترجم: محمد مهدی فولادوند.
۱. ابو الفتوح رازی، حسین بن علی، ۱۴۰۸ق، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی.
۲. باقلانی، محمد بن طیب، ۱۴۲۲ق، اعجاز القرآن، بیروت، دارالکتب العلمیه.
۳. بحرانی، سید هاشم، ۱۴۱۶ق، البرهان فی تفسیر القرآن، تهران، بنیاد بعثت، اول.
۴. بلاغی، محمد جواد، ۱۴۲۰ق، آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن، قم، مرکز چاپ و نشر مؤسسه بعثت.
۵. جعفری، یعقوب، ۱۳۶۸ش، بینش تاریخی قرآن، بی جا: دفتر نشر فرهنگ اسلامی. دوم.
۶. حسینی همدانی، محمد حسین، ۱۴۰۴ق، انوار درخشان، تهران، کتابفروشی لطفی.
۷. خوئی، سید ابو القاسم، ۱۴۲۷ق، البیان فی تفسیر القرآن، ترجمه جعفر سبحانی، قم، موسسه امام صادق علیه السلام، اول.
۸. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲ق، مفردات الفاظ القرآن، بیروت، دارالقلم، اول.

۹. رشیدرضا، محمد، ۱۴۰۴ق، تفسیر المنار، بیروت، المکتب الاسلامی.
۱۰. زرقانی، محمد بن عبدالعظیم، ۱۳۸۵ش، مناهل العرفان فی علوم القرآن، مترجم: آرمین، محسن، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۱۱. سبحانی، جعفر، ۱۳۸۶ش، علم غیب آگاهی سوم، قم، مؤسسه امام صادق علیه السلام، سوم.
۱۲. سیوطی، جلال الدین، ۱۴۰۸ق، الدر المنثور فی تفسیر المأثور، قم، کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی.
۱۳. شفیع دارابی، حسین، «نگاهی به پیشگویی های قرآن»، فصلنامه معرفت، شماره سوم و چهارم.
۱۴. طباطبایی، سید محمد حسین، ۱۴۱۷ق، المیزان فی تفسیر القرآن، تهران، انتشارات اسلامی.
۱۵. طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲ش، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، انتشارات ناصر خسرو، سوم.
۱۶. طبری، محمد بن جریر، ۱۴۰۷ق، تاریخ الأمم و الرسل و الملوک، بیروت، دار الکتب العلمیه، اول.
۱۷. طوسی، محمد بن حسن (شیخ طوسی)، ۱۴۰۹ق، التبیان فی تفسیر القرآن، تحقیق و تصحیح نصیر عاملی، احمد حبیب، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۱۸. عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، ۱۴۱۵ق، نورالتقلین، قم، اسماعیلیان.
۱۹. فخرالدین رازی، محمد بن عمر، ۱۴۲۰ق، مفاتیح الغیب، بیروت، دار احیاء التراث العربی، سوم.
۲۰. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۰۷ق، الکافی، تهران، دار الکتب الإسلامیه، چهارم.
۲۱. مجلسی، محمد باقر، ۱۴۰۳ق، بحارالانوار، دار احیاء و التراث العربی، قم، دوم.
۲۲. مطهری، مرتضی، ۱۳۷۰ش، وحی و نبوت، تهران، چاپخانه علامه طباطبایی، پنجم.
۲۳. معین، محمد، ۱۳۶۰ش، فرهنگ فارسی معین، تهران، چاپخانه سپهر، چهارم.
۲۴. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۶۷ش، پیام قرآن، قم، حوزه علمیه.
۲۵. _____، ۱۳۷۴ش، تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب اسلامی.
۲۶. نجفی خمینی، محمد جواد، ۱۳۹۸ق، تفسیر آسان، تهران، انتشارات اسلامی.
۲۷. واحدی نیشابوری، ابوالحسن علی بن احمد، ۱۴۰۲ق، اسباب النزول، بیروت، دارالکتب الاسلامیه.